

عنوان مقاله:

گذار از فلسفه سیاسی به علم سیاست در تفکر افلاطون (خوانش همپرسه سیاستمدار)

محل انتشار:

دوفصلنامه هستی و شناخت، دوره 0، شماره 17 (سال: 1388)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسندگان:

حاتم قادری - استادیار دانشگاه تربیت مدرس

عبدالرسول حسنی فر - دانشجوی دکتری اندیشه های سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

خلاصه مقاله:

تأثیر افلاطون در تحولات اندیشه تا اندازه ای است که مکتب های سیاسی، اجتماعی و فلسفی عصر ما هنوز خود را با توجه به این متفکر ارزیابی می کنند. از جمله مهم ترین آثار افلاطون همپرسه های «جمهور»، «سیاستمدار» و «قوانین» هستند. این سه اثر به خصوص در حوزه اندیشه سیاسی اهمیت بسزایی دارد و موجب شده اند افلاطون به عنوان بنیانگذار اندیشه سیاسی شناخته شود. محتوا و صورت متفاوت این سه اثر موجب شده است اندیشه سیاسی افلاطون مورد تفسیرها و برداشت های مختلف قرار گیرد. به نظر می رسد بررسی سیر تحول اندیشه های سیاسی افلاطون و تدقیق جایگاه سه همپرسه جمهور، سیاستمدار و قوانین بر مبنای گذار از فلسفه سیاسی به علم سیاست (نظریه گذار)، موجب حل بسیاری از مشکلات و روشن شدن زوایای تاریک اندیشه این متفکر شود. یکی از جنبه های متفاوت نظریه گذار در مقایسه با دیگر نظریه ها، توجه عمیق به همپرسه سیاستمدار است. از نظر این دیدگاه همپرسه سیاستمدار برای توضیح گذار افلاطون از فلسفه سیاسی در همپرسه جمهور به علم سیاست در رساله قوانین، به عنوان حلقه رابط نقش برجسته ای دارد. در این مقاله با تمرکز بر همپرسه سیاستمدار و خوانش آن در پرتو نظریه گذار از فلسفه سیاسی به علم سیاست، سیر تحول اندیشه های سیاسی افلاطون را مورد بررسی قرار داده ایم.

کلمات کلیدی:

افلاطون، فلسفه سیاسی، علم سیاست، سیاستمدار، نظریه گذار

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1225520>

